



تدوین و تبیین الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی: یک مطالعه آمیخته در افق ۱۴۰۴

منیرشامحمدی

دانش آموخته ی دکتری رشته مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی ، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

کامران محمدخانی

دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

globecampus@gmail.com

علیرضا گودرزی

دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه مدیریت ، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سیدرضاصالحی امیری

استاد یار و عضو هیئت علمی، گروه مدیریت امور فرهنگی ، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

چکیده

گسترش فرهنگ وقف ، یکی از عمده ترین فاکتور ، انهدام تراکم ثروت در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای رشد ارزش های معنوی و الهی ، در شکل توزیع عادلانه ی ثروت ، محسوب می شود و با درک از همین نکته ، یعنی موثریت ژرف وقف در توسعه ای اقتصادی، فکری ، فرهنگی و معنوی جوامع است ، که اسلام دین مقدس توحیدی ، بر گسترش فرهنگ وقف بیش از هر چیز دیگر تأکید نموده است. آگاهی از فرهنگ وقف در بین افراد جامعه و دیدگاه مدیران و متولیان امور وقفی در مورد آن و عوامل مؤثر بر آن می تواند در جهت دهی موقوفات و نظام فرهنگی وقف مؤثر باشد. در این پژوهش ابتدا یک الگوی کیفی برای مدیریت توسعه فرهنگ وقف بر اساس مصاحبه با خبرگان تدوین شد و سپس بر اساس یک مطالعه کمی با ۴۸۲ نفر نمونه آماری، به تبیین و اعتباریابی این الگو پرداخته شد. یافته های تحقیق در بخش کیفی نشان داد که الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف دارای ۲ بُعد و ۱۸ مولفه است. مولفه ها شامل «شبکه های شغلی»، «شبکه های محلی»، «شبکه های ملی» و «شبکه های بین المللی» مربوط به بُعد «شبکه های اجتماعی» و مولفه های «صداقت، حمایت اجتماعی، نهادینه شدن قوانین، مسئولیت پذیری، عدالت، همکاری و همدلی، اعتماد، رضایت، همبستگی، تعهد و تعلق، اخلاق، کنش متقابل، انسجام و احترام به هم» مربوط به بُعد «هنجارهای اجتماعی» از مقوله کلی توسعه مدیریت فرهنگ وقف بود. یافته های بخش کمی نیز از برآزش خوب الگوی ساختاری با داده های جامعه آماری بود و الگوی مذکور تبیین مناسبی در جامعه آماری دارد.

واژه های کلیدی: توسعه فرهنگ وقف، سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، هنجار اجتماعی

مقدمه

یکی از برترین آموزش های عملی اسلام در ارتباط با دیگران، سنت حسنه ی «وقف» است. وقف از انواع امور خیریه و داوطلبانه است که برای برخورداری دیگران از اموال اشخاص توانمند به منظور تعدیل ثروت و توزیع درآمد آنها به وجود آمده است (ناصری و شادپی، ۱۳۸۷؛ ۱۵۸). در این راستا، وقف می تواند در همراهی مردم با فرآیند توسعه نقش مهمی را ایفا کند. چرا که قادر است توده هایی فاقد بهره مندی از درآمدهای جامعه را با یک توزیع مجدد داوطلبانه ی درآمد، بهره مند سازد و فرصت و قدرت اندیشیدن، درک منافع بلند مدت جامعه و در نتیجه هم سویی با برنامه های توسعه را در آن ها ایجاد کند (صحرانورد و اسدی، ۱۳۹۱؛ ۶۴۰). فعالیت های خیریه و نیکوکاری که در هر جامعه ای رخ می دهد همانند پدیده های دیگر، متأثر از عقاید، ارزش ها، فرهنگ و آداب و رسوم آن جامعه است. از این رو، یکی از جلوه ها و نمودهای مشارکت اجتماعی و فعالیت های خیریه در فرهنگ اسلامی، سنت وقف است (صدیقی ارفعی و دیگران، ۱۳۹۱؛ ۶۳۸). انسان امروز با همه ی فرهنگ ها و بینش های گوناگون خویش، وقف و بنیادهای وقفی و خیریه را پدیده ای سودمند و در مسیر رشد و تعالی تمدن انسانی و توسعه ی همه جانبه ی جامعه می شناسد و دریافته است که وقف و سایر امور داوطلبانه می تواند کارساز و سودمند باشد و در رشد و توسعه ی جامعه در افق های آینده مؤثر افتد (گنجی و دیگران، ۱۳۹۴؛ ۳۰). کمک رسانی و فرهنگ اهدا به نیازمندان از فرهنگ اصیل ایرانی و سفارش های دینی ناشی می شود. در دین، مسئله تکامل اجتماعی مطرح است و هر فردی نسبت به دیگر افراد مسئول است (میرابی نژاد، ۱۳۹۳؛ ۱۲). مردم به طور انفرادی و یا در قالب نهادهای خیریه و غیرانتفاعی و سازمان های غیردولتی می توانند به هم نوعان خود یاری رسانده و محیط اجتماع را برای خود و دیگران لذت بخش کنند (حسامی عزیزی و دیگران، ۱۳۹۶؛ ۸). در این راستا آگاهی از فرهنگ وقف در بین افراد جامعه و دیدگاه مدیران و متولیان امور وقفی در مورد آن و عوامل مؤثر بر آن می تواند در جهت دهی موقوفات و نظام فرهنگی وقف و توسعه جامعه در آینده مؤثر باشد. یکی از کارکردهای مهم وقف، ایجاد ذهنیت

مشترک اجتماعی است که گرچه منشأ آن باور و اعتقاد و ایثار فردی است (سرمایه انسانی)، اما در نهایت به یک حرکت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) تبدیل می شود و در ساخت ذهنیت مشترک اجتماعی سهیم می شود و با باعث پیشرفت در آینده کشور شود. بنابراین، وقف به عنوان یک رفتار اجتماعی مطلوب یکی از مؤلفه ها و عناصر مهم اجتماعی هر جامعه می باشد که در دین اسلام نیز به آن توجه زیادی شده است. بر این مبنا، هر جامعه ای برای تسهیل مسیر توسعه ی اجتماعی و فرهنگی خود باید عناصر و مؤلفه های تأثیرگذار خود را بیابد تا با تقویت آن در جامعه بتواند به اهداف مشخص نظام اجتماعی خود دست یابد. بیان اثرگذاری و نتایج مثبت وقف و خیریه در جامعه به افزایش و ترویج این عمل در جامعه می انجامد. انسان ها با درک این نکته که وقف چه بازخوردی برای جامعه به طور عام و خودشان به طور خاص دارد، به انجام این عمل ترغیب می گردند. فهم پیچیدگی ها، پویایی ها، تفسیرها، تعریف ها، انگیزه ها و کنش های عام المنفعه خیران، در غالب سرمایه اجتماعی یک جامعه سیراب کننده کنجکاوی علمی در این مورد است. ساخت ذهنیت مشترک اجتماعی با فهم عمیق از مقوله «شناخت» همراه است. برگر و لاکمن (۱۹۷۶) شناخت را امری ذهنی نمیدانند، بلکه آن را یک پدیده اجتماعی می دانند که از طریق واقعیات روزمره، با تأثیر همکنش های اجتماعی در زندگی روزمره و زبان شناسی در زندگی روزمره شکل می گیرد (Berger & Lunkman; 1976). گرچه وقف یک رویکرد فردی (سرمایه انسانی) است. اما همانگونه که تاکنون مورد تأکید قرار گرفته است، یک حرکت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) است. این حرکت محصول تعامل انسان با جامعه است که بر اساس «نگرش فکری-دینی»، نوع دوستی عاطفی-اخلاقی» و «احساس مسئولیت اجتماعی» شکل می گیرد (بشیر، ۱۳۹۳؛ ۱۲۰). اصطلاح «سرمایه» به ثروت انباشته شده، به ویژه به آنچه که برای تولید ثروت بیشتر به کار می رود، اطلاق می شود (ر.ک: بیکر، ۱۳۸۲). واژه «اجتماعی» در مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده این است که منابع موجود در درون شبکه های روابط اجتماعی، دارایی های شخصی محسوب نمی شوند و هیچ فردی به تنهایی مالک آنها نیست. این منابع درون شبکه هایی از روابط قرار گرفته اند (فقیهی و فیضی، ۱۳۸۵)

در نظر می‌گیرد (Fukuyama, 1995: 2). سرمایه اجتماعی چسبی است که جوامع را به یکدیگر پیوند می‌دهد و معمولاً به عنوان ضرورتی اساسی برای تحقق نظم اجتماعی شناخته می‌شود که همراه با درجه ملیتی از همانندی‌های فرهنگی مشترک، احساس تعلق و هنجارهای رفتاری مشترک است (سراگلدین و گروتارت، ۲۰۰۰: ۴۴). سرمایه اجتماعی منبع کنش جمعی است و کیفیت روابط اجتماعی در هر جامعه بیانگر چگونگی سرمایه اجتماعی آن جامعه است. به نظر بیکر، سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی که در میان یا از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل دسترسی هستند اشاره دارد. این منابع شامل اطلاعات، نظریات، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه مالی، قدرت، حمایت احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری می‌شود (بیکر، ۱۳۸۲: ۴۰). عوامل متعددی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تأثیرگذارند که یکی از عوامل مهم و اساسی دین و آموزه‌های دینی است. به نظر میرسد دین چه از طریق حضور افراد در مراکز مذهبی و فعالیت‌های اجتماعی و تحکیم روابط اجتماعی و چه از طریق اهمیت دادن فرد مؤمن به ابعاد و عناصر دین می‌تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و تعاون اجتماعی را در افراد ایجاد کند که این عناصر از مظاهر و پیامدهای سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردند (علینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۴). از نظر فوکویاما در سایه باورهای دینی (اخلاقیات) به دلیل اینکه خودخواهی پس زده می‌شود روابط اجتماعی مبتنی بر آگاهی و اعتماد جریان می‌یابد (Fukuyama, 1999; 8). در این راستا، کلمن نیز بیان نمود که در پرتو اعتماد و باورهای دینی است که تعهدات و انتظارات افراد از یکدیگر شکل می‌گیرد (Coleman, 1987; 35). ماهیت وحدت‌بخش مذهب موجب شده است که آن را عاملی جدی و مهم در افزایش سرمایه اجتماعی در نظر بگیرند. دین موجب می‌شود که با افزایش همبستگی میان مردم، روابط مردم قوی‌تر شود. بر این اساس، افراد دین‌دار بیش از دیگران به روابط اهمیت می‌دهند. این افراد بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی و بشردوستانه شرکت می‌کنند. همچنین، مناسک جمعی مذهبی ارتباطات شخصی و مستقیم میان مؤمنان را بیشتر

(۲۴). هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (یادی پور و منظور، ۱۳۸۷: ۱۴۷). در نگاه بانک جهانی سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره دارد که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند. سرمایه اجتماعی صرفاً شامل مجموعه‌ای از نهادها، یک جامعه نمی‌شود بلکه چسبی است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهند. سرمایه اجتماعی شامل پیوندهای فعال ذخیره شده در میان اعضای جامعه چون اعتماد، فهم متقابل، ارزش‌ها و رفتارهای مشترکی می‌شود که عمل همکاری را در بین اعضای شبکه‌ها و اجتماعات انسانی امکان‌پذیر می‌سازد (کوهن و پروساک، ۲۰۰۱: ۴). سرمایه- اجتماعی از نظر بوردیو عبارت از مجموعه‌ای از منابع بالفعل یا بالقوه است که با مالکیت یک شبکه با دوام از روابط کم و بیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل و دو جانبه، پیوند یافته است. به عبارت دیگر عضویت در یک گروه، هریک از اعضایش را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌سازد؛ صلاحیتی که آنان را سزاوار «اعتبار» به معنای مختلف کلمه می‌کند. به اعتقاد بوردیو گونه‌های مختلف سرمایه کم و بیش قابل تبدیل به یکدیگرند (Bourdieu, 1986: 248-249). پاتنام در تعریف خود از سرمایه اجتماعی می‌نویسد: منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند (Putnam, 1995: 67). امروزه در جریان توسعه یک کشور در کنار انواع سرمایه (اعم از طبیعی، انسانی و مادی) سرمایه اجتماعی هم به عنوان برون‌داد و هم درون‌داد توسعه به شمار می‌آید. سرمایه اجتماعی زیرمجموعه سرمایه انسانی نیست؛ زیرا این سرمایه متعلق به گروه‌هاست و نه افراد. سرمایه انسانی معمولی مانند تحصیلات و مهارت را به تنهایی می‌توان کسب کرد، اما هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی‌دار است که بیش از یک نفر در آن سهیم باشد. سرمایه اجتماعی می‌تواند از دو نفر (که با هم همکاری دارند) تا یک ملت را در برگیرد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۳). فوکویاما رابطه‌ی سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی را

توانایی گسترش کنش است، آن را غنی می سازد، منبع کنش اجتماعی است و نیز محل و حاصل آن است. سرمایه اجتماعی باعث خواهد شد که کنشگر اجتماعی ضمن احساس رضایت درونی از کنش خود با اطمینان خاطر به کنش های مرتبط دیگر نیز وارد شود. سرمایه اجتماعی کنش را از حالت رفتار مکانیکی خارج کرده و تشویق کننده کنشگر است (تشکر، ۲۸، ۱۳۸۱). انواع ساختارهای اجتماعی که هنجارهای اجتماعی و ضمانتهای اجرایی برای تحمیل آنها را امکان پذیر می سازد در درجه اول به افرادی سود نمی رساند که تلاشهای آنها برای به وجود آوردن هنجارها و ضمانتهای اجرایی لازم است. بلکه به همه افرادی سود می رساند که جزء آن ساختار معین هستند. جنبه منفعت عمومی بیشتر سرمایه اجتماعی به این معناست که سرمایه اجتماعی از جهت کنش هدفمند، در موقعیتی اساساً متفاوت با بیشتر شکل‌های دیگر سرمایه است. سرمایه اجتماعی، منبع مهمی برای افراد است و می تواند بر توانایی کنش آنها و کیفیت مشهود زندگیشان بسیار تاثیر گذارد (کلمن، ۱۳۷۷). ضمن اینکه افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند مانند حضور و فعالیت در امور مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی (کتابی و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۷۵). با این اوصاف بدیهی است که " توسعه فرهنگ وقف " و تلاش برای دست یابی به موفقیت آن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بعنوان مهمترین مساله ودل مشغولی مسولان و صاحب نظران در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می باشد (ارجمندینا، ۱۳۸۰). در کشور ما نیز از گذشته های دور توجه بسیار زیادی به مساله وقف و خیرات وجود داشته است. و در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی توجه خاص به این مساله شده است و در این راستا اقدامات و برنامه ریزی های خاص توسط سازمان اوقاف و امور خیریه صورت گرفته است که به بررسی وضعیت سازمان اوقاف و چگونگی موفقیت این سازمان در مقوله وقف پرداخته می شود. و اینکه چگونه می توان این سرمایه عظیم را نهادینه و توسعه داد. وقف به دلیل تأثیرات همه جانبه و مختلفی که دارد، اگر در فرهنگ جامعه نهادینه شود، بالتبع می تواند به عنوان یک عنصر پیشران

می کند. باورهای دینی با پیوند دادن افراد با جامعه و هموعان، انسجام اجتماعی را تقویت می کند و با تقویت اهداف خیرخواهانه و بشردوستانه همانند کسب رضای خداوند، زمینه افزایش سرمایه اجتماعی را فراهم می آورد (شکری و حسومی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). رابرت بارو دین را عامل «تکوین اعتقاداتی که شکل دهنده ویژگی‌هایی فردی چون صداقت، اخلاق کاری، پس انداز و صرفه جویی و باز بودن در قبال غریبه‌ها» می داند (بارو^۱، ۲۰۰۴: ۶۴). این مفاهیم نقش مؤثری در تولید سرمایه اجتماعی دارند. فوکویاما به ارزش های اخلاقی همانند مشارکت، صداقت، اعتماد و ایثار در ادیان اشاره دارد و بر این باور است که چنین ویژگی‌هایی موجب ایجاد سرمایه اجتماعی بین اعضای یک گروه یا فرقه مذهبی می شود (Fukuyama, 1999; 8). توکویل و دورکیم مذهب را ملاط جامعه می دیدند. امیل دورکیم بر این نظر بود که تشریفات مذهبی هسته اجتماعی ادیان اند. احساسات مذهبی ای که در این اجتماعات به وجود می آید نیرویی است که یکپارچگی و انسجام اجتماعی را تقویت می کند. این تشریفات مذهبی «برای کارکرد مناسب زندگی معنوی جامعه، درست به اندازه غذا برای حفظ حیات جسمی، ضرورت دارد» (دورکیم^۲، ۱۹۱۲: ۳۸۲). امروزه سرمایه اجتماعی از طریق جریان های اطلاع رسانی مثل آموزش مربوط به مشاغل، تبادل عقاید، تبادل اطلاعات هنجارهای مربوط به معاملات در شبکه های اجتماعی، مشارکتهای مردمی، گروههای خود یاری، روحیه جمع گرایی در برابر فرد گرایی و نوع دوستی شکل می گیرد. سرمایه اجتماعی در بین گروه های دوستی، همسایگان، هم مسلکان، هم مدرسه ای ها، اعضاء کلوپ های ورزشی و... قابل مشاهده است. فرهنگ وقف که ریشه در دین و اخلاقیات دارد با خصوصیات فردی انسان در بعد خود دوستی و وجود انگیزه رقابت بین افراد سازگار است و همچنین با مدیریت صحیح آن و تحقق نیات واقفین خیراندیش دارای ویژگی های خدمت به هم نوعان و ایجاد حالات عاطفی در جامعه می باشد. اغلب موقوفات نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را تأمین می کنند (مداح، ۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی نیز در واقع

^۲ Durkheim^۱ Barro

مسئله اساسی این پژوهش، تدوین و اعتباریابی (تبیین) الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی، می باشد. در این راستا جهت تدوین مدل از روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل محتوی موضوعی و برای اعتباریابی مدل از روش مدل یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شده است.

۲: اهداف تحقیق:

کدام مؤلفه ها و زیر مؤلفه های اساسی در الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی وجود دارند؟ معنی داری روابط ساختاری موجود بین ابعاد و مؤلفه های الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی چگونه است؟ الگوی استخراج شده مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی تا چه اندازه از اعتبار برخوردار است؟

۳: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در تاریخ اسلام، وقف، ۱۴ قرن سابقه ای درخشان دارد و مسیر معنوی آن همچنان بسوی پایگاه فضیلت ادامه داشته و تا روز واپسین نیز استمرار خواهد داشت. مکتب حیات بخش اسلام برای نجات دادن انسان از ناامیدی ها و بی تفاوتی ها و بویژه رفع تبعیض های گوناگون و استقرار نظامی متعالی برپایه قسط و عدل در جامعه بشری، پدیده شگرف وقف ارائه نموده است. نام وقف در صدر اسلام، «صدقه جاریه» بوده و این عنوان برگرفته از حدیثی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم به یادگار مانده است (رخ یزد، ۱۳۸۳). در راستای فعال سازی اوقاف در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی ملل و جوامع اسلامی، و مرتفع کردن مشکلات اقتصادی اقشار فقیر جامعه، و در پاسخ به درخواست تعداد زیادی از کارشناسان مبنی بر ضرورت تاسیس یک نهاد جهانی برای اوقاف اسلامی توسط مبادی مربوطه، و نیز در جهت گسترش فعالیت های بانک توسعه اسلامی در خصوص امور اوقاف که در حال حاضر شامل پنجاه و پنج کشور عضو در سازمان کنفرانس اسلامی می باشد، این بانک اقدام به تاسیس ((بنیاد جهانی وقف)) نمود تا وظیفه نظارت بر اوقاف جدید و قدیم و سرمایه گذاری و اداره آن و نیز هزینه کردن عواید و درآمدهای حاصله از اوقاف در چارچوب خواسته

در توسعه پایدار کشور محسوب شود. البته این امر زمانی محقق می شود که نگاه به وقف و امور خیریه و پذیرش نقش و تأثیر آن به شکل کاملاً سیستماتیک و یکپارچه، توسعه و ترویج یابد و بتواند آن گونه که شایسته است، در جامعه ساری و جاری شود و به عنوان یک عمل خیر و خداپسندانه، مورد اقبال عمومی قرار گیرد که در باورهای مردم چنین است. لازم به ذکر است که آنچه در پژوهش فوق به عنوان وجوه متأثر از توسعه وقف و امور خیریه اشاره گردید، تنها به عنوان بخش کوچکی از سرفصل های کلی است که می تواند مطرح گردد و بیان تمامی حوزه هایی که به همراه توسعه وقف و امور خیریه گسترش می یابند، پژوهشی عمیق تر و تخصصی تر نیاز دارد. ولی به بیان دیگر می توان گفت موقوفات به دلیل اینکه شامل گستره عظیمی می گردند اگر به شکل مناسب و علمی گسترش یابند، باعث تحولی عظیم در توسعه کشور می گردند (بشیر، ۱۳۹۳: ۸۵). نظر به اهمیت موضوع در کشور ایران در این تحقیق به زمینه بررسی مفهوم "سرمایه اجتماعی" و وقف و نظریه های آن، ابعاد و مؤلفه های آن و همچنین جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگ وقف، کارکردهای مثبت و منفی آن، وضعیت سرمایه اجتماعی و وقف در ایران و دلایل عدم رشد آن و راهکارهای برای رشد سرمایه اجتماعی در راستای توسعه وقف در ایران و ارتباط متقابل سرمایه اجتماعی و وقف پرداخته می شود. با توجه به پذیرش شاخص های ارزشی متعدد سرمایه اجتماعی در حوزه های مختلف مردمی در جوامع مختلف و با استناد به آمارهای موجود در خصوص کاهش موقوفات و اثربخشی آن در افکار عمومی مردم در استانهای مختلف کشور، در تحقیق حاضر پژوهشگر بر آن است که با استفاده از شاخص های سرمایه اجتماعی نسبت به افزایش موقوفات به منظور کاهش کاستی ها در همه زمینه های (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، سیاسی) پردازیم. بدین منظور به اندازه گیری میزان تأثیرگذاری مؤلفه ها و عناصر سرمایه اجتماعی بر وقف و خیریه بمنظور کاهش خلاء های موجود در جامعه با بررسی مؤلفه های سرمایه اجتماعی در سطح سازمان اوقاف و امور خیریه پرداخته شد. زیرا سرمایه اجتماعی قابلیت و ظرفیت جهت رشد و توسعه ی وقف و خیریه را در کشور دارد. لذا

ها و اهداف واقفان را ضمن هماهنگی با مبادی ذریبط و طبق احکام شریعت اسلامی عهده دار شود. مجمع واقفان بنیاد که شامل کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی می شود که اوقافی را با حداقل ارزش یک میلیون دلار آمریکا در بنیاد سرمایه گذاری کرده اند، وظیفه نظارت بر بنیاد را برعهده دارد. این شورا به عنوان مجمع عمومی بنیاد، وظیفه انتخاب شورای نظارت را بر عهده داشته که این شورا نیز به نوبه خود وظایف شورای اداری را به انجام می رساند. بنیاد مزبور در سرتاسر جهان زیر نظر بانک توسعه اسلامی و برابر لویح و شیوه نامه های ان به فعالیت می پردازد و بانک مذکور نیز در مرحله اول، مبلغ بیست و پنج میلیون دلار به عنوان سرمایه اولیه در اختیار بنیاد قرار داده است، بنیاد مزبور در صدد ان است که با سایر مبادی ذی نفع و خصوصاً خیران بخش های خصوصی و غیردولتی قراردادهای مشارکت استراتژیک منعقد سازد تا در راستای اجرای برنامه ها و پروژه ها و اهداف توسعه ملل و جوامع اسلامی از حداکثر امکانات اوقاف استفاده شود. امید ان است که استراتژیک بنیاد کلیه اهداف آن را انشاءالله برآورده نماید (معراجی، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

دکتر بیلان "Belin" در مورد نظام وقف در اسلام می گوید: در قرآن همواره مردم به نیکوکاری و احسان دعوت شده اند و نمی توان سوره ای از قرآن را یافت که در آن آیه یا آیاتی درباره بذل جان یا مال در راه خدا نیامده باشد. اگرچه در کتاب آسمانی مسلمانان اشاره مستقیمی درباره وقف به مفهوم فقهی آن نشده ولی سنت پیامبر اسلام که مفسر قرآن است این مهم را به عهده گرفته است و اصولاً ویژگی های درونی هر مومن که عبارت از صلاح و تقوی باشد وی را برمی انگیزد که از بخشی از مملوکت خود برای رضای خدا و برپایی شعائر دینی چشم پوشی کند. (Belin e tude sur ia proprieté (foncritee pays musulmans

دی نوفال^۳ معتقد است که وقف از ابتدای پیدایش اسلام در شهر مدینه معمول بوده و قبل از این که فقهای اسلام در قرن دوم هجری برای آن قواعد معینی را بنگارند و به شکل موضوعه درآورد بین مسلمانان صدر اسلام مرسوم بوده است ولی در ابتدا از دیگر صدقات متمایز نبوده است و مسلمانان در تمام

ادوار حیات دینی شریعت اسلامی اهتمام کاملی به اقامه شعائر اسلامی و استحکام پایه های مادی و معنوی آن داشته اند. لذا یکی از کارهای آنان این بوده است که بخشی از مایملک خود را برای ارتزاق رهبران دینی و مبلغین مذهبی اختصاص دهند به گونه ای که هیچگاه این املاک از حبس و وقف قابل خارج شدن نباشد و بدین ترتیب ثروتی عظیم برای احسان و نیکوکاری و نیز تبلیغ اسلام فراهم آمد (کامل الغمراوی، ۱۹۳۳: ۸۹). فان برشیم^۴ عقیده دارد که مقوله وقف در اسلام یکی از مهمترین بخشهای حقوقی دین اسلام است. وی منشا وقف را اراضی «مفتوح العنوه» که در فقه به آن «فیء» گفته می شود و نیز اراضی فتح شده با صلح و مسالمت دانسته است. از دیدگاه وی در زمان حیات پیامبر اسلام وی حق داشته هر نوع تصرفی در این اراضی داشته باشد و هنگامی که وی فوت نمود وراثت او مطالبه این اراضی را به عنوان ارث نمودند ولی حکومت از این سرباز زد و آن را حبس بر مسلمین نمود و بدین ترتیب زمین های مشهور به «فیء» وقف گردیدند (بندرچی، ۱۳۸۰). موقوفات در تمام کشور های جهان وجود دارد نمونه آن تشکیل بنیاد جهانی وقف می باشد که شامل پنجاه و پنج کشور مسلمان می باشد که دارای آیین نامه به منظور فعال سازی اوقاف در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی ملل و جوامع اسلامی، و مرتفع کردن مشکلات اقتصادی اقشار فقیر جامعه می باشد. و نمونه دیگر بنیاد های خیریه در کشورهایی مانند امریکا می باشد که دارای موسسات خیریه عام المنفعه با سرمایه های کلان و در امریکا بیش از بیست هزار موقوفه و امور خیریه با اهداف نیکو کارانه فعالیت می کنند. تنوع حقوقی این بنیادها در امریکا بسیار قابل توجه است. بنیاد های خیریه ای در سه قالب می باشد:

بنیاد شخصی: مانند مک ارتور- بنیاد عمومی: که سرمایه ان از طریق کمک های مردم جمع اوری می شود- بنیاد منطقه ای: که سرمایه اش را منابع مختلفی تامین کرده و کمک ها و هدایایش را به افراد مخصوصی از شهر یا منطقه مخصوصی اهدا می کند.

^۴ Van Berchem

^۳ De Nauphal

۴: روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش تحقیق آمیخته^۵ از نوع اکتشافی متوالی^۶ و با تلفیق دو روش کیفی (تحلیل مضمون) و کمی (توصیفی-پیمایشی) انجام گرفته است. در طرح های تحقیق آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصدد زمینه یابی درباره موقعیت نامعین می باشد. برای این منظور ابتدا به گردآوری داده های کیفی می پردازد. انجام این مرحله او را به توصیف جنبه های بیشماری از پدیده هدایت می کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت بندی فرضیه(هایی) درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می شود. پس از آن، در مرحله بعدی، پژوهشگر می تواند از طریق گردآوری داده های کمی، فرضیه(ها) را مورد آزمون قرار دهد. بنابراین در این نوع طرح های تحقیق آمیخته، به داده های کیفی اهمیت بیشتری داده می شود. علاوه بر آن در توالی گردآوری داده ها ابتدا داده های کیفی و سپس داده های کمی گردآوری می شوند. بالاخره، پژوهشگر بر مبنای یافته های حاصل از داده های کیفی، سعی بر آن دارد که داده های کمی را گردآوری کند تا تعمیم پذیری یافته را میسر سازد. (بازرگان، ۱۳۸۷) از آنجا که در مرحله اول، پژوهشگر به دنبال ارائه و تدوین الگویی برای مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی است و باید به شناسایی، تعیین و استخراج ابعاد، مولفه ها، زیر مولفه ها و شاخص های تشکیل دهنده این الگو پرداخته شود، لذا با استفاده از روش کیفی و بر اساس نظر خبرگان و متخصصان به استخراج ابعاد و مولفه های الگوی مذکور پرداخته شد. در این مرحله بطور مشخص از روش کیفی تحلیل مضمون^۷ استفاده گردید. پس از شناسایی ابعاد، مولفه ها و شاخص های الگوی مذکور (تدوین مدل مفهومی نهایی)، در مرحله کمی، اعتباریابی (تبیین) الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی صورت گرفت. این بخش بر اساس روش تحقیق کمی و مشخصاً روش پیمایشی بود. بدین ترتیب که بر اساس

شاخص های استخراج شده در مرحله کیفی، پرسشنامه ای ساخته شد و سپس در بین یک نمونه معرف از کل جامعه آماری، توزیع و جمع آوری گردید. بر اساس اطلاعات این پرسشنامه ها، ابتدا به اعتباریابی مولفه ها و شاخص های مدل بر مبنای تحلیل عاملی اکتشافی^۸ (EFA) و تاییدی^۹ (CFA) و سپس استخراج روابط ساختاری با استفاده از روش تحلیل مدل یابی معادلات ساختاری^{۱۰} (SEM) پرداخته شد. در این تحقیق، برای انجام بخش کیفی (مصاحبه ها) از خبرگان حوزه وقف استفاده شد. بنابراین جامعه آماری (یا جامعه ذینفعان) شامل تمامی اعضای هیات علمی دارای کار پژوهشی در حوزه وقف، مدیران و کارشناسان سازمان اوقاف و حوزویانی که در این زمینه کار کردند می باشد. داده های کمی نیز مستخرج از یک نمونه آماری نسبتاً معرف برخاسته از یک جامعه آماری شامل تمام کارشناسان و کارکنان سازمان اوقاف در سراسر کشور بود. در بخش کمی، نمونه آماری بر اساس نمونه لازم برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی یا تاییدی (کلاین، ۱۳۹۵) ۵۰۰ نفر بود که البته ۴۸۱ پرسشنامه عودت داده شد. روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم از زیر جمعیت ها (حوزه های مختلف شغلی) انتخاب شد است، بدین صورت که پرسشنامه در بخش های شغلی مختلف سازمان اوقاف توزیع و جمع آوری گردید. پرسشنامه تحقیق نیز مبتنی بر شاخص های استخراج شده در مدل پارادایمی برای هر کدام از مقوله ها بود که در کل شامل ۱۳۰ سوال بود. پایایی ترکیبی و روایی سازه این سوالات و مولفه ها بر اساس مدل یابی معادلات ساختاری و به عنوان شاخص های نیکویی برازش محاسبه و گزارش شد. تحلیل داده ها بر مبنای روش تحلیل مولفه های اصلی^{۱۱} (که در تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی بکار می رود) و همچنین مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) در نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام پذیرفت.

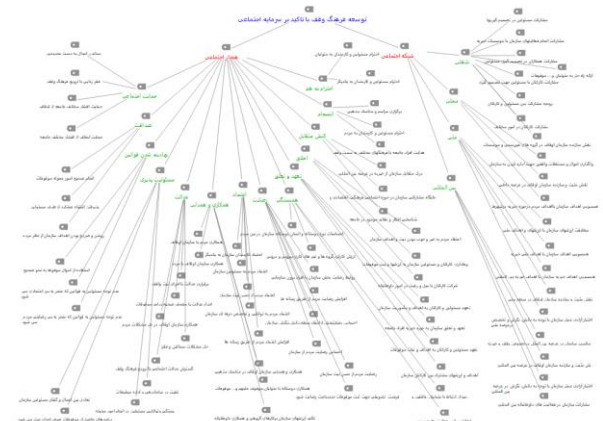
۵: یافته های تحقیق:^۹ Confirmatory Factor Analysis^{۱۰} Structural Equations Modeling^{۱۱} - Principal component analysis^۵ Mixed Method^۶ Sequential Exploratory^۷ - Theme Analytics^۸ Exploratory Factor Analysis

۱-۵): استخراج مدل کیفی بر اساس مصاحبه با خبرگان

بر اساس مصاحبه با خبرگان که تعداد آنها ۱۷ نفر بود، مصاحبه های نیمه ساختارمند انجام گرفت. در نهایت بر اساس استخراج کدها بر اساس فرآیند تحلیل مضمون، ۲ بُعد زیربنایی شامل شبکه اجتماعی و هنجار اجتماعی و ۱۸ مولفه برای مقوله اصلی- یعنی توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی- استخراج گردید.

مقوله اصلی	ابعاد	مولفه ها	فراوانی در مصاحبه ها
توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی	شبکه اجتماعی	شغلی	۸
		محلی	۵
		ملی	۶
	هنجار اجتماعی	بین المللی	۷
		صداقت	۵
		حمایت اجتماعی	۶
		نهادینه شدن قوانین	۸
		مسئولیت پذیری	۹
		عدالت	۲
		همکاری و همدلی	۱۰
اعتماد		۹	
رضایت		۳	
همبستگی		۷	
تعهد و تعلق	۸		
اخلاق	۱۱		
کنش متقابل	۶		
انسجام	۱۲		
احترام به هم	۸		

در زیر خروجی نرم افزار MAXQDA برای هر کدام از ابعاد، مولفه ها و شاخص های هر مولفه آمده است:



۲-۶): کشف ساختار عاملی الگو (تحلیل عاملی اکتشافی)

به منظور کشف ساختار عاملی الگوی کیفی فوق، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. در این تحلیل بارهای عاملی به دست آمده باید بیشتر از ۰/۵ باشد تا به عنوان اعتباریابی مطلوب برای گویه مورد نظر محسوب شود (کلاپین، ۱۳۹۵). در این مرحله کلیه مولفه های مربوط به ابعاد مدل کیفی به طور جداگانه وارد فرآیند تحلیل اکتشافی مرتبه اول شده اند که نتایج به شرح زیر است: در ابتدای تحلیل عاملی اکتشافی، به منظور بررسی کفایت نمونه گیری از آزمون KMO به همراه آزمون بارتلت استفاده شده است. نتایج در جدول زیر آمده است:

جدول (۲): آزمون بارتلت و KMO برای سوالات مربوط به الگوی مدیریت توسعه وقف

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	۰/۷۹	
Approx. Chi-Square	۱۵/۲۰	
Bartlett's Test of Sphericity	Df	۲۴۹
	Sig.	۰/۰۰۴

همانطور که در جدول ملاحظه می شود، میزان KMO (بزرگ تر از ۰/۷) و میزان معناداری آزمون بارتلت هم کمتر از ۰/۵ است، لذا می توان گفت که تعداد داده ها برای اجرای تحلیل عاملی کافی و مناسب است. در ادامه به منظور تعیین تعداد عوامل (مولفه های) استخراج شده توسط تحلیل عاملی اکتشافی و میزان تبیین واریانس همه گویه ها توسط این عامل های استخراج شده، جدول مربوط به واریانس عوامل استخراج شده آمده است. درصد کل واریانس استخراج شده برای عوامل معنی دار باید بالای ۰/۷ باشد (کلاپین، ۱۳۹۵)

ردیف	اولیه			استخراج اولیه			استخراج بعد از چرخش عامل ها		
	کل	درصد	تراکمی	کل	درصد	تراکمی	کل	درصد	تراکمی
۱	۲/۶۱	۵۲/۱۰	۵۲/۱۰	۲/۶۱	۵۲/۱۰	۵۲/۱۰	۲/۳۱	۴۳/۱۳	۳۳/۱۳
۲	۱/۵۸	۲۲/۵۸	۷۴/۶۸	۱/۵۸	۲۲/۵۸	۷۴/۶۸	۱/۵۰	۳۱/۵۵	۷۴/۶۸
۳	۱/۰۰۱	۱۶/۴۰	۷۴/۲۹	---	---	---	---	---	---
۴	۰/۸۳۹	۱۱/۹۸	۸۶/۲۸	---	---	---	---	---	---
۵	۰/۵۸۰	۸/۲۸	۹۴/۵۷	---	---	---	---	---	---
۶	۰/۲۴۱	۳/۴۲	۹۷/۹۹	---	---	---	---	---	---
۷	۰/۲۱۰	۱/۰۰۲	۹۸/۹۹	---	---	---	---	---	---
۸	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۹	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۱۰	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۱۱	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۱۲	۰/۲۴۱	۰/۰۰۵	۹۹/۹۹	---	---	---	---	---	---
۱۳	۰/۲۱۰	۰/۰۰۳	۹۹/۹۹	---	---	---	---	---	---
۱۴	۰/۱۴۰	۰/۰۰۱	۱۰۰	---	---	---	---	---	---

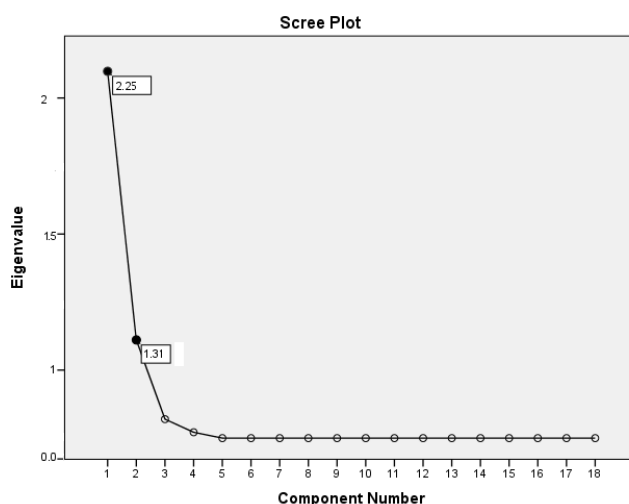
جدول (۱): ماتریس بارهای عاملی چرخش یافته

شماره مولفه	شرح مولفه	عامل اول	عامل دوم
۱	شبکه های شغلی	-۰/۷۱۲	
۲	شبکه های محلی	-۰/۵۰۵	
۳	شبکه های ملی	-۰/۸۲۰	
۴	شبکه های بین المللی	-۰/۶۷۸	
۵	صداقت	۰/۷۴۸	-
۶	حمایت اجتماعی	۰/۷۴۰	-
۷	نهادینه شدن قوانین	۰/۷۰۲	-
۸	مسئولیت پذیری	۰/۷۱۲	-
۹	عدالت	۰/۵۰۵	-
۱۰	همکاری و همدلی	۰/۸۲۰	-
۱۱	اعتماد	۰/۷۷۷	-
۱۲	رضایت	۰/۶۵۸	-
۱۳	همبستگی	۰/۶۲۰	-
۱۴	تعهد و تعلق	۰/۶۵۶	-
۱۵	اخلاق	۰/۷۱۲	-
۱۶	کنش متقابل	۰/۵۵۶	-
۱۷	انسجام	۰/۶۵۰	-
۱۸	احترام به هم	۰/۵۰۰	-

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می شود، چهار مولفه اول یعنی شبکه های شغلی، محلی، ملی و بین المللی با هم در یک عامل قرار گرفته اند (همگی دارای بار عاملی بالای ۰/۵ بودند) و لذا این مولفه ها بعد «شبکه های اجتماعی» از مقوله کلی توسعه مدیریت فرهنگ وقف را می سنجدند. همچنین مولفه های صداقت، حمایت اجتماعی، نهادینه شدن قوانین، مسئولیت پذیری، عدالت، همکاری و همدلی، اعتماد، رضایت، همبستگی، تعهد و تعلق، اخلاق، کنش متقابل، انسجام و احترام به هم نیز در یک عامل قرار گرفته اند و همانطور که در مدل مفهومی نیز آشکار است، این مولفه ها بعد «هنجارهای اجتماعی» از مقوله کلی توسعه مدیریت فرهنگ وقف را مورد سنجش قرار می دهد. بنابراین همان طور که از نتایج تحلیل عاملی اکتشافی ملاحظه شد، ساختار عاملی کشف شده در این مولفه ها دقیقاً منطبق بر ساختار مفهومی در مدل پارادیمی است.

جدول کل واریانس تبیین شده نشان می دهد که این مولفه ها جمعاً دو عامل را تشکیل می دهند و این دو عامل در حدود ۷۴/۶۸ درصد واریانس الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی را تبیین می کنند که در واقع نشان دهنده روایی مناسب سوالات این مولفه است.

همچنین تعداد عوامل، به اندازه تعداد ابعاد مورد انتظار بر اساس مدل مفهومی بود (یعنی ۲ بعد شبکه اجتماعی و هنجار اجتماعی). بنابراین همانگونه که انتظار می رفت برای مفهوم مدیریت توسعه فرهنگ وقف، در مجموع ۱۸ مولفه در دو بعد طبقه بندی شد. نمودار سنگریزه (برش)^{۱۲} در زیر تعداد عوامل معنی دار استخراج شده را نشان می دهد که عوامل معنی دار که دارای مقدار ویژه بالای یک هستند، مقدار آنها در نمودار آمده است.



شکل (۳): نمودار سنگریزه (برش) برای تعیین تعداد عوامل معنی دار استخراج شده

همانطور که ملاحظه می شود، ۲ عامل اول دارای مقدار ویژه بالای یک هستند، که به عنوان عوامل معنی دار استخراج شده اند. در ادامه تحلیل عاملی اکتشافی، نتایج حاصل از تحلیل عاملی برای این ۱۸ مولفه و ضرایب بار عاملی هر کدام روی مولفه ها در جدول زیر که نشان دهنده ماتریس بارهای عاملی بعد از چرخش عوامل با روش واریماکس است، آمده است:

^{۱۲} - Eigen Value

^{۱۳} - Scree Plot

از آن یاد می شود، چندین معیار نیکویی برازش ۱۴ وجود دارد. این معیارها برخی مربوط به سنجش میزان پایایی مؤلفه ها و برخی مربوط به سنجش میزان روایی مؤلفه های مدل است. در بخش پایایی به بررسی آلفای کرونباخ و در بخش روایی به بررسی روایی سازه ۱۵ می پردازیم. در بخش ساختاری هم به معیارهای نیکویی برازش کلی مدل خواهیم پرداخت.

به منظور بررسی پایایی مولفه ای مدل، ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه های الگوی توسعه مدیریت وقف محاسبه شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول (۳): ضرایب آلفای کرونباخ برای تک تک مولفه های الگوی

برازش شده

ردیف	مولفه	آلفای کرونباخ
۱	شبکه های شغلی	۰/۷۵۸
۲	شبکه های محلی	۰/۷۰۱
۳	شبکه های ملی	۰/۸۵۰
۴	شبکه های بین المللی	۰/۶۷۷
۵	صداقت	۰/۸۱۱
۶	حمایت اجتماعی	۰/۶۹۹
۷	نهادینه شدن قوانین	۰/۸۵۰
۸	مسئولیت پذیری	۰/۷۶۱
۹	عدالت	۰/۷۴۴
۱۰	همکاری و همدلی	۰/۷۲۳
۱۱	اعتماد	۰/۹۱۰
۱۲	رضایت	۰/۸۹۰
۱۳	همبستگی	۰/۷۵۴
۱۴	تعهد و تعلق	۰/۶۸۵
۱۵	اخلاق	۰/۷۳۹
۱۶	کنش متقابل	۰/۸۶۹
۱۷	انسجام	۰/۷۴۱
۱۸	احترام به هم	۰/۷۰۰

همانطور که ملاحظه می شود، ضریب آلفای کرونباخ اکثر مولفه ها بالای ۰/۷ بوده ولی مولفه های حمایت اجتماعی، تعهد و تعلق و شبکه های بین المللی کمتر از ۰/۷ بوده ولی چون نزدیک به این مقدار بوده و بالای ۰/۵ هستند، مورد قبول واقع شده اند. به منظور بررسی روایی مولفه های تحقیق، به محاسبه روایی سازه پرداخته شده است. روایی سازه به ارتباط هر مولفه

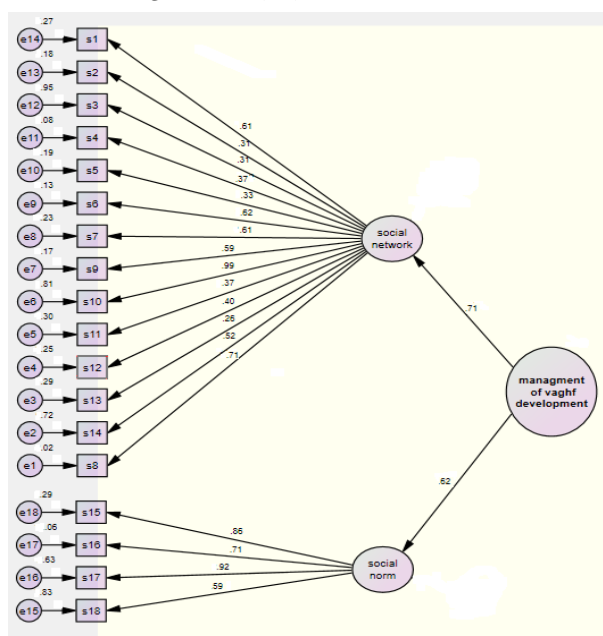
جدول بارهای عاملی نیز نشان از همبستگی بالای گویه ها با ابعاد مرتبط بود.

۳-۶: تایید ساختار عاملی الگو (تحلیل عاملی تاییدی)

در شکل زیر مدل آزمون شده همراه با مقادیر استاندارد شده بارهای عاملی روی هر کدام از مسیرها بر اساس خروجی نرم افزار AMOS درج شده است. یافته ها نشان می دهد که از ضرایب مسیر عنوان شده، تأثیر همه عوامل معنادار است و همه ضرایب مثبت و معنادار هستند مقدار بار عاملی مورد تایید در تحلیل عاملی تاییدی ۰/۳ است (کلاین، ۱۳۹۵).

شکل (۱): بارهای عاملی و ضرایب مسیر الگوی ساختاری مدیریت

توسعه وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی



همانطور که ملاحظه می شود هیچ کدام از بارهای عاملی در شکل شماره کمتر از ۰/۳ نمی باشند و لذا می توان نتیجه گرفت که اجزاء مدل در لایه اول روابط (روابط بین زیر مولفه ها و شاخص ها یا سوالات مربوطه) مناسب بوده یا به اصطلاح این زیر سوالات یا شاخص ها برای سنجش زیر مولفه های مربوطه دارای اعتبار (روایی) سازه مناسبی هستند. در ادامه به منظور اعتبار یابی الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی، به بررسی شاخص های نیکویی برازش مدل پرداخته شده است. بدین منظور برای بررسی درجه تناسب مدل با داده های برخاسته از جامعه آماری که تحت عنوان تبیین مدل

^{۱۵} Construct Validity

^{۱۴} Goodness of fit index

از نظر همه معیارهای برازش، مدل ساختاری برازش خوبی با داده های کمی (جامعه آماری) دارد. در کل می توان گفت که الگوی ساختاری مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تاکید بر سرمایه اجتماعی از تبیین (برازش) خوبی با داده های جامعه آماری دارد.

۷: بحث و نتیجه گیری:

نهادهای مختلف جامعه در رابطه ای متقابل علی و معلولی قرار دارد. بدین معنی که نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مدام در رابطه ای تأثیر و تأثر قرار دارند. پویایی نهاد اقتصادی یک جامعه، زمینه های مناسب برای رشد فرهنگ جامعه ایجاد می کند. رشد نهادهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طبیعی است که رشد نهاد اجتماعی را نیز به دنبال می آورد و بدین ترتیب رکود اقتصادی یک جامعه زمینه های مناسب رشد و توسعه فرهنگ در یک جامعه را از بین می برد. جامعه ای که از فرهنگ شایسته برخوردار نباشد و جامعه ای که از فرهنگ منحطه برخوردار باشد، سیاست آن نیز به ابتدال کشانیده می شود. زیرا انحطاط فرهنگی به مثابه ای انحطاط فکری است و با انحطاط فکری چگونه جامعه می تواند در بعد سیاسی موفق عمل کند؟ و جامعه ای که اقتصاد، سیاست و فرهنگ نداشته باشد، معلوم است که نهاد اجتماعی آن نیز بیمار است. لذا فقر اقتصادی، جامعه را در تمام ابعاد آن، فقیر می سازند. وقف مفهومی است که در راستای کاهش و از بین بردن فقر در دین اسلام به وجود آمده است. وقف، عبارت است از چارچوب بنیادین مسئولیت های متقابل و همبستگی اجتماعی میان ثروتمندان و نیازمندان. در این چارچوب بنیادین برای رفع نیازهای ضروری طبقات محروم و صاحبان نیازهای خاص (همچون یتیمان، بیوه زنان، پیران، آوارگان و قربانیان حوادث مختلف از قبیل جنگ، سیل و زلزله) اقدامات و حمایت های لازم در نظر گرفته شده است. نظام وقف یکی از سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی و وسیله ای صلح آمیز برای توزیع مجدد درآمد بدون هرگونه اجبار و مداخله قدرت حاکمانه بوده و هست. از این رو می توان گفت که وقف حمایت از وحدت ملی و اجتماعی و جلوگیری از بروز بی ثباتی و خشونت و تنش میان گروه های اجتماعی با وضعیت اقتصادی متفاوت نقش دارد. وقف به عنوان یک هنجار اقتصادی واجتماعی از کاربرد بسیار متنوع و گسترده در جامعه برخوردار

با بعد زیربنایی خودش می پردازد و توسط تحلیل عاملی تاییدی انجام می پذیرد. در این نوع روایی، ضرایب بارعاملی تحلیل عاملی تاییدی در اصل همان ضرایب روایی سازه هستند. مقدار بارعاملی (ضرایب روایی) سازه الگوی مفهومی در زیر آمده است.

جدول (۴): ضرایب روایی مدل (براهای عاملی تحلیل عاملی تاییدی)

ردیف	مولفه	ضریب روایی سازه (بارعاملی)
۱	شبکه های شغلی	۰/۸۵
۲	شبکه های محلی	۰/۷۱
۳	شبکه های ملی	۰/۹۲
۴	شبکه های بین المللی	۰/۵۹
۵	صداقت	۰/۶۱
۶	حمایت اجتماعی	۰/۳۱
۷	نهادینه شدن قوانین	۰/۳۱
۸	مسئولیت پذیری	۰/۳۷
۹	عدالت	۰/۳۳
۱۰	همکاری و همدلی	۰/۶۲
۱۱	اعتماد	۰/۶۱
۱۲	رضایت	۰/۵۹
۱۳	همبستگی	۰/۹۸
۱۴	تعهد و تعلق	۰/۳۷
۱۵	اخلاق	۰/۴۰
۱۶	کنش متقابل	۰/۲۵
۱۷	انسجام	۰/۵۲
۱۸	احترام به هم	۰/۷۱

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، میزان روایی سازه همه مولفه ها (به جزء مولفه کنش متقابل) بالای ۰/۳ بوده و نشان از روایی سازه خوب مدل دارند. در نهایت نیز به بررسی برازش کلی مدل پرداخته شده است. در اینجا، هر دو بخش اندازه گیری و ساختاری به عنوان یک مدل واحد با هم مورد ارزیابی قرار می گیرند. در جدول زیر شاخص های نیکویی برازش آمده است که بررسی می کند آیا مدل ساختاری از برازش مناسبی با داده های کمی برخوردار است یا خیر؟

نام معیار قضاوت	X^2 (P-value)	X^2/df	AGFI	CFI	RMSEA
مقدار آماره	۱۵۹۰ (۰/۰۲۱)	۲/۵۰	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۰۹

مقدار کای دوی-نسبی یعنی X^2/df باید کمتر از ۳ باشد و مقادیر شاخص برازش مدل اصلاح شده (AGFI) و شاخص برازش تطبیقی (CFI) باید نزدیک به ۱ باشد (بیشتر از ۰/۷ قابل قبول است). همچنین مقدار ریشه میانگین مربعات خطا باید کوچک و کمتر از ۰/۱ باشد. بر اساس یافته های جدول فوق

است. زمانی که ثروتمندان برخی از اموالشان را وقف کنند و مفاد آن بین فقیران و مستمندان توزیع گردد، ثروت به تمام افراد می رسد و خود به خود طبقات جامعه به هم نزدیک گردیده و روح اخوت و همدردی بین افراد جامعه به وجود می آید. نهادینه شدن وقف در جامعه می تواند بسیاری از مشکلات اقتصادی اجتماع را التیام بخشد و سبب ایجاد وفاق ملی شود. اصحاب رسانه و مهندسان و متولیان فرهنگی در احیاء و نهادینه کردن وقف نقش حساس و تعیین کننده ای را به عهده دارند. نظر به اهمیت موضوع در کشور ایران در این تحقیق به زمینه بررسی مفهوم "سرمایه اجتماعی" و وقف و نظریه های آن، ابعاد و مؤلفه های آن و همچنین جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگ وقف، کارکردهای مثبت و منفی آن، وضعیت سرمایه اجتماعی و وقف در ایران و دلایل عدم رشد آن و راهکارهای برای رشد سرمایه اجتماعی در راستای توسعه وقف در ایران و ارتباط متقابل سرمایه اجتماعی و وقف پرداخته شد. با توجه به پذیرش شاخص های ارزشی متعدد سرمایه اجتماعی در حوزه های مختلف مردمی در جوامع مختلف و با استناد به آمارهای موجود در خصوص کاهش موقوفات و اثربخشی آن در افکار عمومی مردم، در تحقیق حاضر پژوهشگر بر آن است که با استفاده از شاخص های سرمایه اجتماعی نسبت به افزایش موقوفات به منظور کاهش کاستی ها در همه زمینه های (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، سیاسی) پرداخته شد. بدین منظور به اندازه گیری میزان تأثیرگذاری مؤلفه ها و عناصر سرمایه اجتماعی بر وقف و خیریه بمنظور کاهش خلاء های موجود در جامعه با بررسی مؤلفه های سرمایه اجتماعی در سطح سازمان اوقاف و امور خیریه پرداخته شد. زیرا سرمایه اجتماعی قابلیت و ظرفیت جهت رشد و توسعه ی وقف و خیریه را در کشور دارد. لذا مسئله اساسی این پژوهش، تدوین و اعتباریابی (تبیین) الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی، بود. در این راستا از روش تحقیق آمیخته استفاده شد. بدین گونه که جهت تدوین مدل از روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل محتوی موضوعی و برای اعتباریابی مدل از روش مدل یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شد. برای انجام بخش کیفی (مصاحبه ها) از خبرگان حوزه وقف استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی اعضای هیات علمی دارای کار پژوهشی در

حوزه وقف، مدیران و کارشناسان سازمان اوقاف و حوزویانی که در این زمینه کار کردند، بود. داده های کمی نیز مستخرج از یک نمونه آماری نسبتاً معرف برخاسته از یک جامعه آماری شامل تمام کارشناسان و کارکنان سازمان اوقاف در سراسر کشور بود. نتایج تحقیق نشان داد که بر اساس استخراج کد ها بر اساس فرآیند تحلیل مضمون، الگوی توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی شامل ۲ بُعد زیربنایی «شبکه اجتماعی» و «هنجار اجتماعی» و ۱۸ مؤلفه برای مقوله اصلی-یعنی توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی- بود. نتایج تحلیل کمی نیز حاکی از اعتبار بالای ابعاد و مؤلفه های این الگو بود. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که جدول کل واریانس تبیین شده مؤلفه ها جمعاً دو عامل را تشکیل می دهند و این دو عامل در حدود ۷۴/۶۸ درصد واریانس الگوی مدیریت توسعه فرهنگ وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی را تبیین می کنند که در واقع نشان دهنده روایی مناسب سوالات این مؤلفه است. همچنین تعداد عوامل، به اندازه تعداد ابعاد مورد انتظار بر اساس مدل مفهومی بود (یعنی ۲ بُعد شبکه اجتماعی و هنجار اجتماعی) و برای مفهوم مدیریت توسعه فرهنگ وقف، در مجموع ۱۸ مؤلفه در دو عامل زیربنایی طبقه بندی شد. نتایج تحقیق با یافته های تحقیقاتی مانند بندرچی (۱۳۸۰)، معراجی (۱۳۸۵)، بشیر (۱۳۹۳)، کتابی (۱۳۸۳) و اسلم جوادی (۱۳۸۰) همراستا بود و در تحقیقات مذکور برخی از ابعاد، مؤلفه ها یا شاخص های استخراجی در پژوهش آمده است. در خاتمه پیشنهاد می شود برای مدیریت بهتر توسعه حوزه وقف با تأکید بر سرمایه اجتماعی به ابعاد مربوط به این مفهوم یعنی تشکیل شبکه های اجتماعی و ایجاد و بهبود هنجارهای اجتماعی مربوط به حوزه توسعه وقف در زمینه برنامه ریزی و سیاستگذاری توسعه وقف توجه ویژه شود. همچنین برنامه ریزان و سیاستگذاران لازم است از اصول علمی مربوط به مفهوم سرمایه اجتماعی در زمینه توسعه وقف استفاده کافی را برده و سعی بر این کنند که توسعه وقف بر اساس یک مدیریت علمی و مبتنی بر مفاهیم بنیادی حوزه هایی مانند سرمایه اجتماعی انجام پذیرد. یکی از مواردی که می توان در این زمینه مفید فایده باشد و چراغ راهنمایی بر حرکت در این مسیر باشد، همانا یافته های این تحقیق است.

منابع

- ۱۸- گنجی، محمد. نیازی، محسن و احسانی راد، فاطمه (۱۳۹۴). «مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش درآمدی بر توسعه ی پایدار»، فصلنامه مطالعات توسعه ی اجتماعی - فرهنگی، دوره ی سوم، (شماره ی ۴)، ۲۵-۴۵.
- ۱۹- مداح، فیضعلی، (۱۳۸۰)، مقاله نقش وقف در توسعه تمدنها.
- ۲۰- معراجی، سعید، (۱۳۸۵)، وقف سنت ماندگار، بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ و وقف، تهران، صائین.
- ۲۱- میرابی نژاد، امیرعباس؛ (۱۳۹۳) «بررسی نقش دین و مذهب در اهدای کمک به دیگران»، ماهنامه فرهنگ اسامی، شماره ۳، 11-27.
- ۲۲- ناصحی، مهدی و شادپی، محبوبه، (۱۳۸۷)، «بانک وقف پول، فرصت ها و چالش ها، وقف و تمدن اسلام»، ج ۲، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷-۱۶۰.
- ۲۳- یادی پور، مهدی و منظور، داوود، (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی»، مجله راهبرد توسعه (علمی و ترویجی)، شماره ۱۵، صفحه ۱۴۰-۱۶۲.
- 24-Barro, Robert (2004). "Sprit of Capitalism: Religion and Economic Development", Harvard International Review, Vol. 25, No. 40.
- 25- Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital, in J Richardson (ed): Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, New York, Green wood.
- 26- Berger Ida E (۱۹۷۶). "The Influence of Religion on Philanthropy in Canada". Voluntas: International journal of valentery and nonprofit organizations. Volume 17. Issue 2. pp110-127. page ۱۳۱
- 27- Coleman, J. S. (1987). Families and Schools. Educational Researcher. Vol. 16, No. 6 (Aug. Sep., 1987), pp. 32-38
- 28- Cohen, D. & Prusak, I. (2001), In good company – how Social capital makes organization work , Harvard Business school press, Boston, Massachusetts.
- 29- Durkheim, E. (1912). Les Formes Elementaires de la Vie Religieuse, Paris: Alcan Field (2003). Social Capital, London: Routledge.
- 30- Fukuyama, F. (1999) Social Capital and Civil Society, The Institute of Public Policy, George Mason University, 8-16.
- 31- Fukuyama, F. (1997), "Social Capital and the Modern Capitalist Economy: Creating a High Trust Workplace", Stern Business Manazine, 4(1).
- 32- Putnam, R. (1995). Bowling Alone: America's Declining Social Capital. Journal of Democracy. 6: Pp65-78
- 33- Serageldin and Grootaert (2000) Defining social capital: an integrating view. In social capital, A multifaceted perspective. The world Bank Washington.
- ۱- ارجمند نیا تبریز، علی، ۱۳۸۰، مقاله نگرشی نو در زمینه وقف و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها.
- ۲- بندرچی، محمد رضا، ۱۳۸۰، مقاله وقف از دیدگاه تاریخی و اصطلاح شناسی فقهی.
- ۳- بیکر، واین، (۱۳۸۲). «مدیریت و سرمایه اجتماعی»، ترجمه سید مهدی الوانی و محمد رضا ربیعی مندرجین، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- ۴- بیکر، جی. اس. (۱۳۸۲) «سرمایه اجتماعی و مدیریت»، ترجمه مهدی الوانی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
- ۵- بشیر، حسن، ۱۳۹۳، «فرهنگ وقف مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، شرکت و انتشارات سازمان اوقاف.
- ۶- بازرگان هرندی، عباس، (۱۳۸۷)، «روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت»، فصلنامه دانش مدیریت، دوره ۲۱، شماره ۱۸، ص ۱۹-۳۶.
- ۷- تشکر، زهرا و معینی محمد رضا. (۱۳۸۱). «نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه»، رفاه اجتماعی، شماره ۴، ص ۲۵ تا ۴۲
- ۸- حسامی عزیزی باقر، گیلک حکیم آبادی محمد تقی، اختیاری نازنین، تابستان (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل موثر بر کمک های خیریه در استان های منتخب کشور ایران با رویکرد داده های تابلویی»، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۱۹.
- ۹- شکری، بهنام و طاهره حسومی (۱۳۸۹). «درآمدی بر سرمایه اجتماعی»، تهران: راش.
- ۱۰- صحرانورد، بهنام و اسدی، بهراد (۱۳۹۱). «نقش وقف در توسعه و عدالت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش ملی وقف (با تأکید بر آموزش عالی)، دانشگاه کاشان، ۶۲۵-۶۴۴.
- ۱۱- صدیقی ارفعی، فریبرز و همکاران (۱۳۹۱)، «وقف آسیب ها، چالش ها و راهکارها»، مجموعه مقالات همایش ملی وقف (با تأکید بر آموزش عالی)، دانشگاه کاشان، ۶۱۹-۶۲۴.
- ۱۲- علینی، محمد. غفاری، غلامرضا، زهیری، علی رضا. (۱۳۹۴). «مبانی دینی سرمایه اجتماعی و نسبت آن با حکمرانی خوب»، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم، شماره ۶۷، ص ۱۳۳-۱۶۶
- ۱۳- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹) «پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، مترجم غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان (اطلس)، چاپ اول.
- ۱۴- فقیهی، ابوالحسن و فیضی، طاهره (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی: رویکردی نو در سازمان»، دانش مدیریت، س ۱۹، ش ۷۲، ص ۴۶-۲۳.
- ۱۵- کتابی، محمود. گنجی، محمد. احمدی، یعقوب. معصومی، رضا. (۱۳۸۳). «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، شماره ۱۷، ۱۶۹-۱۹۲
- ۱۶- کلین، جیمز. (۱۳۷۷). «بنیادهای نظریه اجتماعی» ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۱۷- کامل الغمراوی، محمد. (۱۹۳۳) مجله قانون و اقتصاد، ص ۸۹.